



## حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و نقش بانک‌های مرکزی در اجرای آن

مجیدرضا داوری\*

اسداله جلال آبادی\*\*

\*مدیر عامل بانک تجارت

\*\*رئیس اداره مطالعات، ریسک و برنامه‌ریزی استراتژیک بانک تجارت

### چکیده

حاکمیت شرکتی<sup>۱</sup> یکی از مسائل بسیار حائز اهمیت در نهادهای پولی و مالی است؛ به نحوی که ضعف و توجه ناکافی به حاکمیت شرکتی صحیح در بانکها به عنوان یکی از علل اساسی بحران مالی سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ شناخته شده است. حاکمیت شرکتی به مجموعه روابطی اطلاق می‌شود که میان ذی‌نفعان یک سازمان وجود داشته و بر نحوه اداره و نظارت بر آن تأثیر می‌گذارد. در مقاله حاضر به بررسی وضعیت حاکمیت شرکتی در بانکها و نقش بانک مرکزی در اجرای مؤثر آن پرداخته شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد مقام‌های نظارتی (بانکهای مرکزی) در کشورهای مختلف تلاش کرده‌اند ضمن تدوین اصول حاکمیت شرکتی و ابلاغ آن به بانکها، ارزیابی مستمری از وضعیت بانکها در این ارتباط نیز داشته باشند. همچنین نتایج حاصل از بررسی‌ها درباره کشور ایران نشان می‌دهد اگر چه بانک مرکزی ج.ا.ا. در راستای اجرای حاکمیت شرکتی رهنمودهایی را در خصوص نظام کنترل داخلی و مدیریت ریسک به بانکها ابلاغ کرده است، لیکن به دلیل نبود دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و هیئت خدمات مالی اسلامی<sup>۲</sup>، حاکمیت شرکتی جایگاه خود را در بین بانکها و مؤسسات مالی پیدا نکرده است.

**کلمات کلیدی:** حاکمیت شرکتی، بانک مرکزی، بحران مالی، هیئت خدمات مالی اسلامی.

---

<sup>1</sup> Corporate Governance

<sup>2</sup> IFSB: Islamic Financial Services Board

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶۷	چکیده.....
۶۸	مقدمه.....
۶۹	۱- تعریف حاکمیت شرکتی.....
۷۰	۲- اهمیت حاکمیت شرکتی در بانکها.....
۷۳	۳- آثار حاکمیت شرکتی خوب در توسعه بخش مالی و بانکداری.....
۷۳	۴- استانداردهای حاکمیت شرکتی.....
۷۵	۵- نقش ذی‌نفعان در اجرای حاکمیت شرکتی.....
۷۵	۶- نقش مقام‌های نظارتی (بانک مرکزی) در اجرای حاکمیت شرکتی.....
۷۷	۷- مقایسه حاکمیت شرکتی در کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی.....
۸۰	۸- اقدامات بانک مرکزی کشورها در راستای اجرای حاکمیت شرکتی در بانکها.....
۸۲	۹- اقدامات مقام‌های نظارتی در اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور.....
۸۳	نتیجه‌گیری و پیشنهادات.....
۸۵	کتاب‌نامه.....

## فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۷۸	جدول شماره ۱- رتبه کشورهای منطقه MENA از نظر شاخص استانداردهای مالی، ۲۰۰۸.....
۷۹	جدول شماره ۲- اصول حاکمیت شرکتی در کشورهای منطقه MENA .....

## مقدمه

بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، نگاه‌ها برای نخستین بار معطوف حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شد. به طوری که بانک‌ها و مؤسسات سراسر جهان - یکی پس از دیگری - به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی بردند و بر اجرای اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تأکید کردند. در این راستا، کمیته نظارت بانکی بال اولین نسخه دستورالعمل "ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی" را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که پایه و اساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۱</sup> در سال ۲۰۰۴ و همچنین نسخه اصلاح شده این دستورالعمل در سال ۲۰۰۶ شد. همچنین برخی از ناظران بانکی از جمله نهاد نظارتی بازار مالی سوئیس<sup>۲</sup> و بانک مرکزی ایتالیا، قوانینی را در سطح ملی منتشر کردند که در برگیرنده مشخصه‌ها و ساختارهای حاکمیت شرکتی مورد نیاز بانک‌ها بود. در سطح بین‌المللی نیز، گروه بانک جهانی<sup>۳</sup> در اثر پیامدهای ناشی از بحران آسیا، از چندین جهت به مقوله حاکمیت شرکتی در بانک‌ها پرداخت. بانک جهانی، با استناد به دستورالعمل کمیته بال، اقدام به ایجاد روش شناسی حاکمیت شرکتی برای ارزیابی چارچوب قانونی و مقرراتی حاکمیت شرکتی در بانک‌ها کرد. هیئت خدمات مالی اسلامی<sup>۴</sup> نیز در سال ۲۰۰۶ اقدام به تدوین اصول حاکمیت شرکتی خاص مؤسسات مالی اسلامی کرد.

بعد از شروع بحران مالی جهانی در تابستان ۲۰۰۷، در مقالات و گزارش‌هایی که در اوایل سال ۲۰۰۸ در رابطه با تحلیل علل و پیامدهای بحران مالی منتشر شد، مقوله حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مورد توجه قرار نگرفت. لیکن در سال دوم بحران مالی، مبحث حاکمیت شرکتی بانک‌ها دوباره رونق گرفت و با شدت بیش‌تری دنبال شد. سازمان OECD نخستین سازمانی بود که در این راستا گام برداشت و گروه راهبری حاکمیت شرکتی را تشکیل داد تا موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را با تأکید بر چهار حوزه: جبران خدمات، مدیریت ریسک، نقش و وظایف هیئت مدیره، و رعایت حقوق سهامداران مورد بررسی قرار دهد. از جمله سازمان‌ها و نهادهای دیگری که در این برهه تحقیقاتی را در این زمینه انجام دادند می‌توان به گروه G20، نهاد نظارت مالی اتحادیه اروپا<sup>۵</sup> و انجمن حسابداران خبره<sup>۶</sup> انگلستان اشاره کرد. در تمامی

<sup>۱</sup> OECD: Organization for Economic Cooperation and Development

<sup>۲</sup> SFMSA: Swiss Financial Market Supervisory Authority

<sup>۳</sup> World Bank Group

<sup>۴</sup> IFSB: Islamic Financial Services Board

<sup>۵</sup> FSEU: Financial Supervision in the EU

<sup>۶</sup> ACCA: Association of Chartered Certified Accountants

گزارش‌ها و مقاله‌های منتشر شده بر اهمیت بالای حاکمیت شرکتی در بانکها تأکید شده و به حاکمیت شرکتی نادرست به‌عنوان یکی از علل اصلی بحران اشاره شده است. به‌عبارت دیگر، اگر چه حاکمیت شرکتی ضعیف می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی شده و در نتیجه وضعیت کلی ریسک شرکتها و سازمانها را افزایش دهد؛ لیکن این وضعیت در خصوص بانکها و مؤسسات مالی حادثتر است. به بیانی دیگر، ضعف حاکمیت شرکتی در بانکها و مؤسسات مالی توان آنها را برای شناسایی، نظارت و مدیریت ریسکهای پیش‌رو کاهش داده و می‌تواند به اعطای تسهیلات با کیفیت پایین و یا ریسک‌پذیری بیش از حد مؤسسات مالی بینجامد و بسته به شرایط بازارها و مؤسسات مالی، این ریسکها می‌تواند به سطح وسیع‌تری از نظام مالی شیوع پیدا کند و به بی‌ثباتی‌های مالی و ورشکستگی‌های احتمالی بینجامد.

### ۱- تعریف حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی به مجموعه‌ای از فرآیندها، اصول، سیاستها و قوانین اطلاق می‌شود که بر نحوه اداره و کنترل کردن سازمانها تأثیر می‌گذارد. همچنین، حاکمیت شرکتی در برگزیده روابط بین ذی‌نفعان و اهدافی است که سازمان براساس آن اداره می‌شود. سهامداران، مدیران و هیئت مدیره یک سازمان، ذی‌نفعان اصلی آن بشمار می‌آیند. سایر ذی‌نفعان نیز عبارت‌اند از کارکنان، مشتریان، قانونگذاران، محیط و به‌طور کلی جامعه. حاکمیت شرکتی مقوله‌ای چند وجهی است. یکی از مسائلی که در حاکمیت شرکتی به آن پرداخته می‌شود، پاسخگویی و امانتداری است. همچنین اجرای سیاستها و ساز و کارهایی برای حصول اطمینان از رفتار خوب و حمایت از سهامداران از جمله ویژگی‌های بارز حاکمیت شرکتی است. براساس تعریفی که سازمان OECD از حاکمیت شرکتی ارائه داده است، "حاکمیت شرکتی به مجموعه روابطی گفته می‌شود که میان مدیریت، هیئت مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذی‌نفع یک شرکت وجود دارد. همچنین حاکمیت شرکتی، تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود؛ که در این مجموعه از روابط از ساز و کارهای درون سازمانی همچون هیئت مدیره، نظارت‌های داخلی اداری و حسابداری، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز ساز و کارهای برون‌سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام‌های حقوقی، بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، حسابرسی مستقل و مؤسسات رتبه‌بندی، در پی کسب اطمینان از رعایت حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است."

در مجموع می‌توان گفت مهم‌ترین هدف حاکمیت شرکتی صحیح، کمک به بهبود عملکرد و پاسخگویی سازمان در ایجاد ارزش‌های بلندمدت برای سهامداران است. سایر اهداف آن عبارت‌اند از:

**حقوق و رفتار مساوی با سهامداران:** سازمان باید به حقوق سهامداران احترام گذاشته و آن‌ها را در دسترسی به این اهداف یاری رساند.

**پاسخگویی:** همان‌طور که ذکر شد پاسخگویی از اهداف اساسی حاکمیت شرکتی است. سازمان‌ها و مؤسسات باید نسبت به تمامی کسانی که تحت تأثیر تصمیمات و فعالیت‌های سازمان قرار می‌گیرند، پاسخگو باشند. نکته درخور توجه آن است که بدون شفافیت و پیروی از قوانین نمی‌توان به این مهم دست یافت.

**منافع سایر ذی‌نفعان:** سازمان‌ها باید بدانند که نسبت به تمامی ذی‌نفعان قانونی خود، تعهداتی از جمله تعهدات قانونی دارند.

**نقش و مسئولیت‌های هیئت مدیره:** هیئت مدیره باید متشکل از مدیران اجرایی و غیراجرایی بوده که از مهارت‌ها و شرایط خاصی برخوردار باشند تا بتواند با مسائل مختلف روبه‌رو شده و توان بازنگری و به چالش کشیدن عملکرد مدیریت را داشته باشد.

**امانتداری و رفتار اخلاقی:** سازمان باید دارای یک منشور اخلاقی برای مدیران باشد که تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و مسئولانه را ترغیب کند.

**افشا و شفافیت:** سازمان‌ها باید وظایف و مسئولیت‌های هیئت مدیره و مدیران را برای عموم افشا کنند تا سهامداران بدانند تا چه حد می‌توانند توقع و انتظار پاسخگویی از آن‌ها داشته باشند. همچنین باید رویه‌هایی را در پیش بگیرند که بتوانند صحت و سقم گزارش‌های مالی سازمان را مورد تأیید و حمایت قرار دهند. افشای مسائل مالی سازمان باید به‌موقع صورت بگیرد تا تمامی سرمایه‌گذاران به اطلاعات دقیق و واقعی دسترسی داشته باشند.

## ۲- اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

بانکداری و بخش مالی از سایر بخش‌ها و صنایع از بسیاری جهات متفاوت بوده و همین تفاوت‌ها باعث شده است که اهمیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مهم‌تر از سایر صنایع و بخش‌ها باشد، برخی از این تفاوت‌ها عبارت‌اند از:

- برخلاف نهادهای تجاری معمولی که سرمایه‌شان از طریق وجوه سهامداران تأمین می‌شود، فعالیت بانک‌ها شامل وجوهی می‌شود که عمدتاً از سپرده‌ها تشکیل شده و این امر باعث

می‌شود مسئولیت امانتداری بیش‌تری متوجه بانکها و مدیرانشان باشد؛ چرا که وجوه سپرده‌گذاران باید به مناسب‌ترین گزینه‌های سرمایه‌گذاری تخصیص یابد.

- نبود حاکمیت شرکتی در بانکها می‌تواند نظام مالی را بی‌ثبات کرده و ریسک‌هایی نظام یافته بر اقتصاد تحمیل کند؛ چرا که این بانکها هستند که تعیین می‌کنند کدام‌یک از کاربران نهایی منابع مالی را دریافت کنند و ابزارهای پرداخت مربوطه را در این زمینه فراهم می‌کنند. در واقع ریسک نظام یافته به این دلیل به‌وجود می‌آید که بانکها معمولاً انگیزه دارند ریسک‌های مالی را در سطح پایین قیمت‌گذاری کنند (به‌عنوان مثال، اعطای تسهیلات پر ریسک)؛ زیرا نمی‌خواهند هزینه‌های اجتماعی فعالیت‌های ریسک‌دار را خود متحمل شوند. این‌گونه ریسک‌ها سرانجام باعث ایجاد کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به بخش بانکی (هجوم مردم) و بحران بانک خواهد شد.

- بانکها باید از دید سپرده‌گذاران مسئول و معتبر باشند (به بیان دیگر، بانکها باید خود را در مقابل ریسک‌های شهرت حفاظت کنند) تا بتوانند ریسک احتمالی هجوم سپرده‌گذاران به بانک برای برداشت سپرده‌هایشان را مدیریت کنند. به عبارت دیگر، با توجه به نسبت بالای بدهی به دارایی و تفاوت در سررسید بدهی‌ها (مانند اکثر سپرده‌ها) و دارایی‌هایشان (مانند تسهیلات بلندمدت)، بانکها نمی‌توانند هر موقع که بخواهند تسهیلات اعطایی خود را از تسهیلات گیرندگان مطالبه کنند، لیکن سپرده‌گذاران در هر زمان می‌توانند سپرده‌های خود را مطالبه کنند که این مسئله باعث می‌شود نسبت به سایر بنگاه‌ها با ریسک بالاتری مواجه باشند.

- ترازنامه بانکها غیرشفاف‌تر از ترازنامه سایر مؤسسات غیرمالی است. کیفیت دارایی‌های اصلی بانک (یعنی تسهیلات) اغلب غیرشفاف است؛ چرا که کیفیت تسهیلات به‌راحتی قابل مشاهده نیست، درحالی‌که کیفیت دارایی‌های شرکت‌های صنعتی، به‌خصوص دارایی‌های فیزیکی مانند ماشین‌آلات ملموس‌تر است. سایر دارایی‌هایی که بانک در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند نیز دارای چنین ویژگی است، مانند اوراق بهادار، اوراق بهادار با پشتوانه دارایی‌ها<sup>۱</sup>، و تعهدات بدهی وثیقه‌دار<sup>۲</sup>. در واقع، بحران مالی در پاییز ۲۰۰۸ تا حد زیادی به‌دلیل چنین پیچیدگی‌هایی به‌وجود آمد. به عبارت دیگر نامتقارن بودن اطلاعات در بانکها بسیار بیش‌تر از سایر بنگاه‌ها است. در این شرایط، بسیاری از ذی‌نفعان انگیزه بسیار کمی برای نظارت بر عملکرد بانکها دارند.

<sup>1</sup> ABS: Asset-Backed Securities

<sup>2</sup> CDOs: Collateralized Debt Obligations



- بانک‌ها به‌عنوان واسطه‌های مالی از طریق وام‌دهی و سرمایه‌گذاری وجوه تجهیز می‌شوند و با تأمین وجوه فعالیت‌های اقتصادی سایرین فعالیت می‌کنند. با توجه به نقش کلیدی بانک‌ها در اقتصاد تمامی کشورها، لزوم حاکمیت شرکتی قدرتمند برای بانک‌ها بیش از پیش آشکار می‌شود.<sup>۱</sup>

- بانک‌ها نمایندگان نظام پرداخت هستند که پرداخت را در سطح ملی و بین‌المللی از طریق ابزارهای مختلفی مانند: حساب‌های بانکی، انتقال وجوه، کارت‌های اعتباری و غیره تسهیل می‌بخشند.

- به‌دلیل اعتقاد و اطمینان عموم مردم به ثبات و استحکام نظام بانکی است که بانک‌ها قادر به انجام فعالیت‌های خود هستند. تاریخچه شکست بانک‌ها در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که نااطمینانی مردم به بانک‌ها می‌تواند به سرعت فراگیر شده و به سادگی منجر به ایجاد وضعیت بحرانی در نظام بانکداری شود.

- بانک‌ها مؤسسه‌ای با اهرم مالی بالا هستند: یعنی آن‌ها با پولی که از سپرده‌گذاران دریافت کرده‌اند، اقدام به اعطای تسهیلات می‌کنند و باید در برابر سپرده‌گذاران مسئول باشند. در واقع، با توجه به حاشیه سود ناشی از اعطای تسهیلات، سود بانک مستقیماً متناسب با حجم تسهیلات دهی آن افزایش می‌یابد. لیکن از سویی، افزایش تسهیلات دهی باعث افزایش احتمال نکول می‌شود؛ بنابراین، در یک سطح مشخصی از سرمایه، سرمایه بانک‌ها برای ایفای تعهداتشان در مقابل سپرده‌گذاران کاهش خواهد یافت و ریسک کفایت سرمایه آن‌ها افزایش می‌یابد.

- بانک‌ها بخش چشمگیری از فعالیت‌های خود را با همکاری سایر بانک‌ها انجام می‌دهند. به بیان دیگر، بانک‌ها به‌شدت به یکدیگر وابسته‌اند. بنابراین برخلاف سایر صنایع، رقبا در صنعت بانکداری، شرکای تجاری یکدیگر نیز به‌شمار می‌آیند و می‌توانند ریسک طرف مقابل را بر یکدیگر تحمیل کنند. علاوه بر این، مشکلات یک بانک می‌تواند به‌سرعت به سایر بانک‌های موجود در نظام بانکی منتقل شود.

- به‌دلیل اهمیت نظام یافته بانک‌ها از یک سو و آسیب‌پذیر بودنشان از سوی دیگر، بانک‌ها تحت مقررات و نظارت‌های شدیدی قرار دارند. مقررات بانکی میزان ریسکی که بانک می‌تواند بپذیرد و همچنین اکسپوزر بانک را به یک مشتری یا یک گروه خاص از مشتریان محدود کرده و با وضع استانداردهایی برای مدیریت نقدینگی، ریسک ناشی از عدم دسترسی به نقدینگی کافی را مورد توجه قرار می‌دهد.

<sup>۱</sup> در خصوص کشورهای در حال توسعه، با توجه به اینکه اقتصاد این کشورها بانک محور است، از این‌رو حفظ سلامت نظام بانکی و اجرای اصول حاکمیتی دوچندان خواهد بود.

### ۳- آثار حاکمیت شرکتی خوب در توسعه بخش مالی و بانکداری

امروزه حاکمیت شرکتی به عنوان ابزاری قدرتمند برای جلب اعتماد و اطمینان مردم به سازمانها قلمداد می‌شود. همان‌طور که گفته شد، حاکمیت شرکتی برای بانکها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ذی‌نفعان و قانونگذاران نیز بیش از پیش به مسئله حاکمیت شرکتی خوب به عنوان ابزاری مهم در حفظ ثبات نظام مالی روی آورده‌اند. حاکمیت شرکتی خوب نقش مهمی در توسعه بخش مالی ایفا می‌کند، از جمله:

- ۱- ارتقای نظام نظارتی و مقرراتی برای ایجاد بازارهای مالی آرام و منظم.
- ۲- بهبود زیرساخت‌های سازمانی- که شامل قوانین استاندارد، استانداردهای هماهنگ حسابداری و نظام مؤثر پرداخت است.
- ۳- افزایش نظم بازار، نظارت و حاکمیت شرکتی- مانند شفافیت و ارائه اطلاعات کافی به عموم مردم.
- ۴- رسیدن به حداکثر سودآوری و کارایی و حداقل فساد و سوء استفاده از قدرت و فراهم کردن نظام پاسخگویی مدیریتی.
- ۵- کاهش آسیب‌پذیری بازارهای نوظهور در برابر بحران‌های مالی، تقویت حقوق مالکیتی، کاهش هزینه مبادلات و هزینه سرمایه و سرانجام توسعه بازار سرمایه.
- ۶- افزایش ارزش افزوده اقتصادی مؤسسات، دست یافتن به سودآوری بیش‌تر و احتمال پایین‌تر شکست‌های مالی نظام یافته.
- ۷- مدیریت مؤثرتر ریسک‌های بانکی با توجه به ارتباط آن با ساختار حاکمیتی بانکها.

### ۴- استانداردهای حاکمیت شرکتی

پیش از بحران، کمیته بال اصول هشت گانه‌ای را برای حاکمیت شرکتی در بانکها تدوین کرده بود که این اصول در سال ۲۰۱۰ بعد از بحران مالی جهانی مورد بازنگری قرار گرفته و به ۱۴ اصل افزایش پیدا کرده است. برخی از مهم‌ترین موارد مطرح شده در این اصول ۱۴ گانه به شرح زیر است:

تعیین مسئولیت‌های اعضای هیئت مدیره بانکها در جهت اجرای حاکمیت شرکتی صحیح در بانکها، از جمله تدوین فرآیندهای حاکمیت شرکتی و تعریف ابزارهایی برای حصول اطمینان از اجرای صحیح فرآیندها؛ ایجاد یک نظام مؤثر پایش داخلی و واحد مدیریت ریسک در بانکها با تفویض اختیارات کافی و استقلال لازم جهت شناسایی و ارزیابی مستمر انواع ریسکها؛

برقراری نظام مناسب جبران خدمات کارکنان در راستای کاهش انواع ریسک‌ها و ارائه اطلاعات شفاف به ذی‌نفعان از جمله سهامداران.

همچنین با توجه به ماهیت فعالیتی بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف، "هیئت خدمات مالی اسلامی" نیز اصولی را که عمدتاً منبعث از اصول بال بوده، در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد. بی‌گمان در برخی موارد تفاوت‌هایی نیز وجود داشته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید ساز و کار مناسبی برای استخراج برای قوانین از منابع شریعت اسلامی و به‌کارگیری فتوای فقها و نظارت بر اجرای قوانین شریعت اسلامی در تمام جنبه‌ها و فعالیت‌های خدمات مالی به‌کار گیرند.

- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را از طریق نظارت آن‌ها بر عملکرد سرمایه‌گذاری‌هایشان و مخاطره‌های مرتبط به رسمیت بشناسد و شرایط مناسبی فراهم کنند تا نسبت به رعایت حقوق آن‌ها اطمینان حاصل شود.

- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید نسبت به ارائه گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی، که مطابق با اصول استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده حسابداری و منطبق با قوانین و مقررات شریعت اسلامی باشد، اطمینان حاصل کند و اینکه این گزارش‌ها در صنعت خدمات مالی اسلامی قابل اجرا و توسط مقامات نظارتی بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی شناخته شده است.

- مؤسسات خدمات مالی اسلامی باید راهبرد سرمایه‌گذاری صحیحی را دنبال کنند که تعادل مناسبی میان ریسک و بازده مورد انتظار برقرار شود و برنامه شفاف در مورد هموارسازی بازده-های حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها (سود) داشته باشند.

- هیئت مدیره باید یک کمیته حاکمیت شرکتی متشکل از حداقل ۳ نفر تشکیل دهد که وظیفه آن نظارت بر اجرای چارچوب حاکمیت شرکتی با همکاری مدیریت، کمیته حسابرسی و هیئت نظارت بر شریعت اسلامی و ارائه گزارش‌ها و توصیه‌هایی به هیئت مدیره درخصوص اجرای فعالیت‌هاست.

- کمیته حاکمیت شرکتی مؤسسه خدمات مالی اسلامی باید مسئولیت حفاظت از حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری و اطمینان خاطر از افشای اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های وجوه به شیوه مؤثر و اجرای صحیح قراردادهای سرمایه‌گذاری را برعهده داشته باشد.

### ۵- نقش ذی‌نفعان در اجرای حاکمیت شرکتی

همان‌طور که در تعریف حاکمیت شرکتی گفتیم، حاکمیت شرکتی در برگیرنده مجموعه روابط بین تمامی ذی‌نفعان شرکت است. در این ارتباط، بنابر پیشنهاد ارائه شده توسط کمیته بال، ذی‌نفعان نیز می‌توانند باعث ارتقای حاکمیت شرکتی در بانکها شوند. از جمله ذی‌نفعانی که نقشی مؤثر در این ارتباط دارند، عبارت‌اند از:

سهامداران - از طریق حضور فعال و آگاهی کافی از حقوق خود.

سپرده‌گذاران و سایر مشتریان - از طریق قطع ارتباط با بانکهایی که به روشی نامطمئن به فعالیت می‌پردازند.

دولت‌ها - از طریق ارائه قوانین، مقررات و یک چارچوب مؤثر قانونی.

حسابرسان - از طریق انجام حسابرسی‌های معتبر و مطابق با استانداردهای حسابرسی و گزارش یافته‌های خود به هیئت مدیره، مدیران ارشد و مقام‌های نظارتی.

مؤسسات حرفه‌ای ریسک - از طریق کمک به بانکها در اجرای فرایندهای درست حاکمیت شرکتی.

مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری - از طریق بازنگری و ارزیابی تأثیر فرآیندهای حاکمیت شرکتی بر وضعیت کلی ریسک بانکها.

سازمان‌های بورس اوراق بهادار - از طریق ارائه الزامات مربوط به افشا و پذیرش در بورس.

کارکنان - از طریق گزارش موارد مرتبط با فرآیندهای غیرقانونی و غیراخلاقی و یا سایر ضعف‌های حاکمیت شرکتی.

### ۶- نقش مقام‌های نظارتی (بانک‌های مرکزی) در اجرای حاکمیت شرکتی

اهمیت حاکمیت شرکتی خوب در بانکها از ماهیت فعالیت‌های آنها و همچنین اختیاراتی که به آنها محول می‌شود، سرچشمه می‌گیرد. همان‌طور که ذکر شد، عدم اعتماد و اطمینان سپرده‌گذاران به بانکها می‌تواند ساز و کارهای نظام پرداخت در اقتصاد را مختل کند. حفظ اعتماد عمومی به نظام مالی و بانکداری و همین‌طور حفظ توان و قدرت نظام مالی و ثبات بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری همواره مهم‌ترین اولویت برای مقام‌های نظارتی و به‌طور خاص بانک‌های مرکزی به‌شمار آمده است.

در مجموع، تمام مقررات در نظام بانکی به‌نحوی در راستای اجرای الزامات احتیاطی (و حاکمیت شرکتی) به منظور کاهش ریسک‌های موجود تنظیم شده‌اند. مقررات مربوط به مالکیت، مبادلات

اشخاص وابسته، سنجش برازندگی و صلاحیت مدیران و دستورالعمل‌های نظارت داخلی به طور مستقیم بر پایه اصول حاکمیت شرکتی بنا نهاده شده‌اند. با وجود این، کمیته بال فراتر از آن پیش‌رفته و نقش مقامات نظارتی را در اجرای حاکمیت شرکتی تشریح می‌کند. برخی از مهم‌ترین این وظایف عبارت‌اند از:

اول- ابلاغ دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی خوب و اقدام‌های احتیاطی مربوطه به بانک‌ها - کسب اطمینان از وجود ساختارهای سازمانی مناسب در بانک‌ها و از اینکه هیئت مدیره و مدیران اجرایی متناسب با سطح مسئولیت‌های خود، برنامه‌هایی کاربردی برای پیشبرد اصول حاکمیت شرکتی پیش‌رو داشته و از تجربه و صلاحیت لازم در فعالیت‌های مالی و بانکداری برخوردار هستند.

دوم- ارزیابی مستمر سیاست‌ها و فرآیندهای کلی حاکمیت شرکتی و کسب اطمینان از اجرای اصول در بانک

- انجام ارزیابی‌های خود از طریق بررسی‌ها و نظارت‌های درون و برون سازمانی و برقراری ارتباط مؤثر با مدیران ارشد، اعضای هیئت مدیره و مسئولان واحدهای کنترل داخلی و حسابرسان خارجی.

- کسب اطمینان از وجود رویکردهایی متناسب با اندازه، پیچیدگی، ساختار، اهمیت اقتصادی و وضعیت کلی ریسک بانک.

- ارزیابی تخصص و درستکاری اعضای پیشنهادی هیئت مدیره و مدیران ارشد

- ارزیابی کیفیت عملکرد واحدهای حسابرسی داخلی و خارجی و نظارت داخلی بانک‌ها.

- کسب اطمینان از برقراری ساز و کارهایی مؤثر برای ارزیابی مسئولیت نظارتی اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد

- ارزیابی تأثیرپذیری نظارت بر واحدهای کنترل، حسابرسی داخلی، مدیریت ریسک و تطبیق توسط هیئت مدیره بانک، این مهم را می‌توان از طریق میزان تعامل هیئت مدیره با نمایندگان واحدهای فوق و تعداد جلسات برگزار شده ارزیابی کرد.

- کسب اطمینان از عملکرد مستقل، مبتنی بر ریسک و مؤثر حسابرسی داخلی از طریق ارزیابی‌های ادواری واحدهای کنترلی بانک و نظارت‌های داخلی.

- ارزیابی کفایت و کارایی نظارت‌های داخلی که باعث ارتقای حاکمیت شرکتی شده و همچنین ارزیابی نحوه اجرای آن‌ها

- در نظر گرفتن مسئولیت شرکت مادر و مؤسسات وابسته به آن در اجرای حاکمیت شرکتی

سوم- ارزیابی میزان استقرار حاکمیت شرکتی از طریق نظارت مستمر و استفاده از گزارش‌های داخلی و گزارش‌های احتیاطی؛ از جمله گزارش‌هایی از سوی اشخاص ثالث مانند حسابرسان خارجی - اخذ اطلاعاتی از بانک‌ها درباره سیاست‌ها و فرآیندهای حاکمیت شرکتی در فواصل معین یا هنگام بروز تغییرات مهم و تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی در فواصلی متناسب با ماهیت اطلاعات درخواستی، اهمیت و وضعیت ریسک بانک.

- ارزیابی مستمر گزارش‌های مهم داخلی؛ به‌منظور مقایسه بانک‌ها، مقام‌های نظارتی می‌توانند فرآیند گزارش‌دهی استاندارد برای بانک‌ها تدوین کنند که شامل اطلاعات مورد نیاز آن‌ها باشد. چهارم- الزام بانک‌ها به بازنگری و اصلاح مؤثر و به‌موقع نواقص موجود در سیاست‌ها و فرآیندهای حاکمیت شرکتی خود و در اختیار داشتن ابزارهای مناسب برای سنجش نواقص و در نظر گرفتن یک برنامه زمانی مناسب جهت رفع آن‌ها.

- انتخاب ابزار و برنامه زمانی جهت انجام اقدامات اصلاحی متناسب با سطح ریسکی که آن نقص به بانک یا نظام مالی مربوطه تحمیل می‌کند.

- افزایش همکاری با مقامات نظارتی سایر حوزه‌ها در خصوص نظارت بر سیاست‌ها و فرآیندهای حاکمیت شرکتی. ابزارهای همکاری شامل برگزاری جلسات دوره‌ای بین ناظران است.

- همکاری و به اشتراک گذاشتن اطلاعات بین مقام‌های نظارتی مربوطه، مانند ناظران بانک‌ها، بانک‌های مرکزی، شرکت‌های بیمه سپرده و سایر مقام‌های نظارتی تأثیر بسزایی در کارایی بیشتر این مقامات نظارتی دارد. این همکاری می‌تواند به‌صورت برگزاری جلساتی ادواری صورت گیرد تا ناظران بتوانند مسائل مربوط به حاکمیت شرکتی را بررسی کنند. چنین ارتباطاتی می‌تواند به ناظران در ارزیابی کلی حاکمیت شرکتی بانک‌ها و میزان ریسک پیش‌روی آن‌ها کمک کند.

## ۷- مقایسه حاکمیت شرکتی در کشورهای منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی<sup>۱</sup>

در سال ۲۰۰۸، بنیاد استانداردهای مالی<sup>۲</sup>، ۹۳ کشور را در سطح جهان از نظر شاخص استانداردهای مالی<sup>۳</sup> مورد سنجش و مقایسه قرار داد. این شاخص در برگیرنده ۱۲ استاندارد بین‌المللی از جمله حاکمیت شرکتی بود. جدول شماره ۱، وضعیت ایران را از نظر این شاخص

<sup>۱</sup> MENA: Middle East & North Africa

<sup>۲</sup> FSF: Financial Standards Foundation

<sup>۳</sup> FSI: Financial Standards Index

در مقایسه با کشورهای منطقه "منا"<sup>۱</sup> (خاورمیانه و آفریقای شمالی) نشان می‌دهد.<sup>۲</sup> نکته حائز اهمیت درباره کشور ایران این است که اطلاعات ارائه شده در خصوص وضعیت حاکمیت شرکتی ناکافی بوده است.

جدول شماره ۱۵: رتبه کشورهای منطقه "منا" از نظر شاخص استانداردهای مالی در سال ۲۰۰۸

ردیف	کشورهای منطقه MENA	رتبه (از ۱ تا ۹۳)	امتیاز از ۱۰۰
۱	اسرائیل	۳۰	۵۱/۶۷
۲	مراکش	۴۳	۴۵/۸۳
۳	مالتا	۴۶	۴۵
۴	بحرین	۴۹	۴۰
۵	تونس	۵۹	۳۶/۶۷
۶	عربستان سعودی	۶۲	۳۵
۷	مصر	۶۳	۳۴/۱۷
۸	اردن	۶۵	۳۲/۵۰
۹	امارات متحده عربی	۷۴	۲۴/۱۷
۱۰	کویت	۷۶	۲۲/۵۰
۱۱	عمان	۸۱	۱۸/۳۳
۱۲	لبنان	۸۴	۱۵/۸۳
۱۳	الجزایر	۸۵	۱۴/۱۷
۱۴	ایران	۸۹	۹/۱۷
۱۵	سوریه	۹۲	۶/۶۷
۱۶	قطر	۹۳	۵/۸۳

مأخذ: سایت بنیاد استانداردهای مالی <http://www.estandardsforum.org/browse/ranking>

<sup>۱</sup> شامل: کشورهای ایران، الجزایر، بحرین، مصر، عراق، اسرائیل، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مراکش، عمان، فلسطین، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تونس، امارات متحده عربی، یمن و مالتا است.

<sup>۲</sup> اگرچه براساس شاخص مذکور نمی‌توان مستقیماً وضعیت اجرای حاکمیت شرکتی در کشورها را ارزیابی کرد، لیکن با توجه به اینکه تنها مرجع رده‌بندی کشورها بنیاد مذکور بوده که شاخص حاکمیت شرکتی جزئی از شاخص‌های ۱۲ گانه مورد بررسی این بنیاد است، از این رو با احتیاط می‌توان نتایج رده‌بندی کشورها را تحلیل کرد.

باید توجه داشت کشورهای هلند، ایتالیا و دانمارک با کسب امتیازهای ۷۳/۳۳، ۷۲/۵ و ۷۰ به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را از نظر این شاخص به‌خود اختصاص داده‌اند. طبق تحقیقی که سازمان OECD در سال ۲۰۱۱ به انجام رسانده، در حال حاضر وضعیت حاکمیت شرکتی در کشورهای منطقه MENA رو به بهبود می‌رود، به‌طوری‌که اکثر کشورهای این منطقه دارای اصول کلی حاکمیت شرکتی بوده و بانک‌های مرکزی برخی از کشورها مانند: لبنان، یمن و مصر در حال توسعه دستورالعمل‌هایی خاص بانک‌های خود هستند. همچنین اجرای اصول حاکمیت شرکتی در مؤسسات و بانک‌های برخی کشورها، مانند امارات متحده عربی، اردن، عربستان سعودی، عمان و قطر الزامی شده است (جدول شماره ۲). شایان ذکر است درخصوص کشور ایران اطلاعاتی از سوی سازمان مذکور منتشر نشده است.

جدول شماره ۲: اصول حاکمیت شرکتی در کشورهای منطقه MENA

کشورهای منطقه MENA	اصول کلی حاکمیت شرکتی	تاریخ انتشار	آیا ملزم به انطباق با اصول هستند؟	سایر اصول / دستورالعمل‌های منتشر شده در این ارتباط
الجزایر	دارد	۲۰۰۹	خیر	-
بحرین	دارد	۲۰۱۰	خیر	انتشار دستورالعمل خاص بانک‌ها
امارات متحده عربی	دارد	۲۰۰۷	بله	انتشار اصول خاص بانک‌ها
مصر	دارد	۲۰۰۵ در دست اصلاح	خیر	انتشار اصول خاص مؤسسات دولتی پیش‌نویس اصول خاص بانک‌ها
اردن	دارد	۲۰۰۸	بله	انتشار اصول خاص بانک‌ها
کویت	ندارد	-	-	-
لبنان	دارد	۲۰۰۸	خیر	انتشار اصول خاص مؤسسات کوچک و متوسط پیش‌نویس اصول خاص مؤسسات دولتی
مراکش	دارد	۲۰۰۸	خیر	انتشار اصول خاص مؤسسات کوچک و متوسط پیش‌نویس اصول خاص مؤسسات دولتی
تونس	دارد	۲۰۰۸	خیر	-
عربستان سعودی	دارد	۲۰۰۶ اصلاح شده در سال ۲۰۰۹	بله	انتشار اصول برای بانک‌ها
عمان	دارد	۲۰۰۲	بله	-
قطر	دارد	۲۰۰۹	بله	-
سوریه	دارد	۲۰۰۸	خیر	انتشار اصول حاکمیت برای واسطه‌های مالی
یمن	دارد	۲۰۱۰	خیر	پیش‌نویس اصول خاص بانک‌ها
فلسطین	دارد	۲۰۰۹	خیر	انتشار اصول خاص بانک‌ها
لیبی	ندارد	-	-	-
عراق	ندارد	-	-	-

مأخذ: مقاله دومین موج حاکمیت شرکتی در منطقه MENA<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> The Second Corporate Governance Wave in the Middle East & North Africa



### ۸- اقدامات بانک‌های مرکزی کشورها در راستای اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها

**کویت:** مقامات نظارتی و قانونگذاران کویت همواره تلاش کرده‌اند محیطی توانمند متناسب با اصول حاکمیت شرکتی خوب در تمامی مؤسسات و شرکت‌های کویتی ایجاد کنند. به خصوص بانک مرکزی کویت در این زمینه اقداماتی اساسی به انجام رسانده؛ به طوری که از اوایل دهه ۱۹۹۰ اقدام به صدور و به‌روزرسانی دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی خوب متناسب با استانداردهای بین‌المللی مربوطه در بخش بانکداری کرده است. در این زمینه می‌توان به دستورالعمل‌هایی که بانک مرکزی کویت در رابطه با نظارت داخلی و حسابرسی، استانداردهای مربوط به انتخاب اعضای هیئت مدیره، تبیین وظایف و مسئولیت‌های هیئت مدیره، افشا و شفافیت اطلاعات و حمایت از حقوق سهامداران به بانک‌ها ابلاغ کرده است، اشاره کرد.

**پاکستان:** بانک مرکزی پاکستان نیز قوانینی جامع در خصوص حاکمیت شرکتی به بانک‌ها ابلاغ کرده است. این قوانین بر پایه یک چارچوب مقرراتی و قانونی و براساس اصلاحات بخش بانکداری، به خصوص مبحث خصوصی‌سازی استوار است. در این بین تقویت عملکرد اعضای هیئت مدیره و تعیین وظایف و مسئولیت‌های آن‌ها از مهم‌ترین الزامات قانونی است. از جمله این الزامات اخیراً نیز بانک مرکزی پاکستان سمت‌های رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل را از یکدیگر مجزا کرده و بانک‌ها را موظف کرده است ۲۵ درصد از اعضای هیئت مدیره را از میان مدیران مستقل انتخاب کنند و بیش از ۲ مدیر اجرایی عضو هیئت مدیره نباشند.

همچنین، از آنجایی که مدیریت صحیح ریسک، جایگاهی ویژه در چارچوب حاکمیت شرکتی دارد، بانک مرکزی پاکستان دستورالعمل‌هایی در ارتباط با مدیریت ریسک، نظارت‌های داخلی، و امنیت فناوری اطلاعات صادر کرده است. در این زمینه، اجرای مرحله به مرحله الزامات بال ۲ نیز در دستور کار بانک‌های پاکستان قرار گرفته است و آن‌ها ملزم شده‌اند که رتبه اعتباری خود را به‌طور سالانه مورد سنجش قرار دهند.

**مصر:** طی سال‌های اخیر، بانک مرکزی مصر نیز اقداماتی را مطابق با اصول کمیته بال در راستای اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها به انجام رسانده است. این اقدامات عمدتاً برپایه مقررات احتیاطی و نظارت مؤثر بر عملیات روزانه بانک‌ها استوار شده است.

یکی از وظایف بانک مرکزی مصر، کسب اطمینانی است که اعضای هیئت مدیره و یا سهامداران بانک جزو بستنکاران یا تسهیلات گیرندگان آن نباشند؛ زیرا از آنجایی که سهامداران

به دنبال کسب حداکثر سود هستند، چنین امری باعث ایجاد تضاد منافع آن‌ها با تسهیلات گیرندگان می‌شود.

**آلمان:** پس از بحران مالی اخیر، مقامات آلمانی به منظور بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی در بخش بانکی این کشور اقداماتی را انجام دادند. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که صورت گرفت می‌توان به اصلاح "اصول حاکمیت شرکتی آلمان"<sup>۱</sup> اشاره کرد. هدف اصلی این اصلاحیه تقویت و افزایش محرک‌هایی برای به کارگیری اصول صحیح حاکمیت شرکتی بود. از جمله مواردی که در این اصلاحیه مورد توجه قرار گرفت عبارت‌اند از وظایف و مسئولیت‌های هیئت مدیره، نحوه تعیین حق الزحمه اعضای هیئت مدیره، دانش و تخصص اعضای هیئت نظارتی در زمینه به کارگیری اصول حسابداری و روندهای نظارت داخلی و عدم عضویت اعضای هیئت مدیره در هیئت نظارتی.

اقدام دیگری که در راستای بهبود حاکمیت شرکتی در بخش بانکی آلمان صورت گرفت، تدوین "حداقل الزامات جهت مدیریت ریسک"<sup>۲</sup> است. این الزامات که بر پایه اصول بال ۲ استوار است، اصولی را در ارتباط با مدیریت ریسک‌هایی از جمله ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بهره، ریسک تمرکز و ظرفیت ریسک‌پذیری ارائه می‌دهند.

**هند:** با توجه به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، بانک مرکزی هند همواره در تلاش است تا از تطابق دستورالعمل‌های خود با استانداردهای بین‌المللی و بهترین فرآیندهای حاکمیت شرکتی اطمینان حاصل کند. در این راستا اقدام به ایجاد حداقل ۳ کمیته یا کارگروه کرده است تا پیشنهادهایی متناسب با حاکمیت شرکتی درست را به بانک‌ها ارائه کنند و بر اجرای صحیح آن‌ها نظارت داشته باشند و آن‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند. از جمله این کمیته‌ها می‌توان به "کمیته اصول و استانداردهای بین‌المللی مالی"<sup>۳</sup>، "گروه مشورتی حاکمیت شرکتی"<sup>۴</sup> و "گروه مشورتی نظارت بانکی"<sup>۵</sup> اشاره کرد. مباحثی که در خصوص حاکمیت شرکتی بانک‌ها مورد تأکید قرار گرفته عبارت‌اند از کیفیت و تمرکز مالکیت، کیفیت مدیریت، چارچوب احتیاطی و ساز و کار برای نظارت هیئت مدیره.

<sup>1</sup> German Corporate Governance Code

<sup>2</sup> Minimum Requirements for Risk Management

<sup>3</sup> CIFSC: Committee on International Financial Standards and Codes

<sup>4</sup> AGCG: Advisory Group on Corporate Governance

<sup>5</sup> AGBS: Advisory Group on Banking Supervision

**مالزی:** پس از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، بانک مرکزی مالزی نیز بخش بانکداری این کشور را به شدت تشویق به اجرای اصول حاکمیت شرکتی کرد و دستورالعمل‌هایی را در این راستا به بانک‌ها ابلاغ کرده است. تمامی بانک‌ها اقداماتی را برای بهبود ترکیب و ساختار هیئت مدیره به انجام رسانده‌اند: از جمله این اقدامات عبارت‌اند از انتصاب مدیران مستقل و تشکیل کمیته‌های حسابرسی، انتصابات، جبران خدمات و مدیریت ریسک.

### ۹- اقدامات مقام‌های نظارتی در اجرای حاکمیت شرکتی در نظام بانکی کشور

بررسی وضعیت سایر کشورها در اجرای اصول حاکمیت شرکتی گویای آن بود که این کشورها در ابتدا استانداردهای کلی را تدوین و آن را برای اجرا به شبکه بانکی خود ابلاغ و بر آن نظارت می‌کنند. در خصوص کشور ایران، با توجه به دولتی بودن بخش اعظمی از نظام بانکداری ایران و دخالت بیش از حد دولت در نظام مذکور، عناصر اصلی حاکمیت شرکتی نظیر استقلال هیئت مدیره از مدیر عامل، استقلال حسابرسی‌های داخلی و خارجی از مدیر عامل کمیاب بوده و اصل حفاظت از حقوق تمامی ذی‌نفعان و به‌طور خاص سپرده‌گذاران نادیده گرفته شده است.<sup>۱</sup> بی‌گمان در سال‌های اخیر با توجه به واگذاری بانک‌های مشمول، افزایش شمار بانک‌های خصوصی و کاهش نقش غالب دولت بر صنعت بانکداری، روندها روبه بهبود گذاشته است.

درخصوص بهبود وضعیت حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، اگرچه بانک مرکزی تاکنون دستورالعمل مدونی مبتنی بر استانداردهای جهانی و قانون عملیات بانکداری بدون ربا تدوین نکرده، لیکن با توجه به اینکه از جمله محورهای استقرار حاکمیت شرکتی، ایجاد نظام کنترل داخلی و اجرای اصول مدیریت ریسک است، در این زمینه اقدامات درخور توجهی را به شرح زیر به انجام رسانده است:

- ابلاغ "مجموعه رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری" در سال ۱۳۸۶ به تمامی بانک‌ها که در آن بر ایجاد دو رکن حسابرسی و مدیریت ریسک که از اجزای نظام کنترل داخلی در بانک‌هاست، تأکید شده است.

<sup>۱</sup> در خصوص نظام بانکداری اسلامی، حفظ حقوق سپرده‌گذاران بیش از نظام بانکداری متعارف مورد توجه بوده است؛ چرا که از جمله اصول IFSB، تدوین راهبرد سرمایه‌گذاری مناسب با هدف ایجاد تعادل مناسب بین ریسک و بازده مورد انتظار و حفظ حقوق سپرده‌گذاران است.

- ابلاغ دستورالعمل‌های مدیریت ریسک‌های بانکی به بانک‌ها و تأکید بر اجرایی کردن اصول و فراهم‌سازی بسترهای بال ۲

سازمان بورس اوراق بهادار نیز که به‌عنوان مقام ناظر بر شرکت‌های بورسی (از جمله بانک‌ها) به فعالیت می‌پردازد، "آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی" را در سال ۱۳۸۶ مصوب کرد و اگر چه طبق ماده ۳۵ دستورالعمل پذیرش، شرکت‌های عضو بورس باید اصول حاکمیت شرکتی را رعایت کنند، لیکن به‌دلیل نبود دستورالعمل‌های مورد نیاز چنین امکانی تا به امروز وجود نداشته است. بر این اساس شرکت بورس و اوراق بهادار دستورالعمل پیشنهادی خود را به کمیته استاندارد و آموزش سازمان بورس اوراق بهادار ارائه کرده است که در صورت تصویب توسط هیئت مدیره سازمان بورس، برای نخستین بار در تاریخ بازار سرمایه، نظام حاکمیت شرکتی به اجرا در خواهد آمد.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- براساس تحقیقی که بنیاد استانداردهای مالی انجام داده است، کشورهای منطقه MENA از وضعیت مناسبی از نظر شاخص استانداردهای مالی که از جمله شاخص‌های فرعی آن شاخص حاکمیت شرکتی است، برخوردار نبوده‌اند. در این بین، ایران با کسب رتبه ۸۹ در کف جدول قرار داشته که بیانگر وضعیت نامطلوب این شاخص در کشور است.

- مقامات نظارتی و قانونگذاران کشورهای مورد بررسی تلاش کرده‌اند محیطی توانمند متناسب با اصول حاکمیت شرکتی خوب در بانک‌ها و مؤسسات مالی ایجاد کنند؛ در این ارتباط می‌توان به تدوین دستورالعمل‌هایی در ارتباط با کنترل داخلی و حسابرسی، انتخاب و ترکیب اعضای هیئت مدیره، استقلال مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره، تبیین وظایف و مسئولیت‌های هیئت مدیره، افشا و شفافیت اطلاعات، حمایت از حقوق سهامداران، ارتقای امنیت فناوری اطلاعات و تدوین اصولی جهت مدیریت ریسک‌های نقدینگی، نرخ بهره، تمرکز و ظرفیت ریسک‌پذیری اشاره کرد.

- بانک مرکزی ایران تاکنون اقداماتی را در راستای اجرای حاکمیت شرکتی انجام داده است. از جمله ابلاغ "رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری"، دستورالعمل‌های مدیریت ریسک‌های بانکی و تأکید بر فراهم‌سازی بسترهای بال ۲. ضمن اینکه سازمان بورس اوراق بهادار نیز "آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی" را در سال ۱۳۸۶ مصوب کرده و آیین‌نامه اجرایی در مرحله تصویب نهایی است.

- با توجه به وضعیت ایران در بین بانک‌های منطقه از نظر اجرای اصول حاکمیت شرکتی، به ویژه در نظام بانکی، مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی جهت انجام از سوی بانک مرکزی عبارت است از:
- تدوین اصول و دستورالعمل‌های حاکمیت شرکتی با توجه به استانداردهای جهانی مانند اصول تدوین شده توسط کمیته بال و هیئت خدمات مالی اسلامی و ابلاغ آن به بانک‌ها.
  - بازنگری ساختار سازمانی بانک‌ها (به‌خصوص بانک‌های دولتی) با توجه به استانداردهای جهانی حاکمیت شرکتی، از جمله استقلال مدیر عامل از رئیس هیئت مدیره.
  - تعیین صلاحیت اعضای هیئت مدیره بانک‌ها بر مبنای شرح وظایف و مسئولیت‌های تعیین شده در اصول حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک.
  - افزایش همکاری و تبادل مؤثر اطلاعات با مقام‌های نظارتی سایر کشورها و استفاده بهینه از تجارب آن‌ها در اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها.
  - تدوین استانداردهای بال ۲ مبتنی بر وضعیت بانکداری در ایران و ابلاغ آن به بانک‌ها
  - تدوین دستورالعمل محاسبه کفایت سرمایه بر مبنای بال ۲
  - رتبه‌بندی بانک‌ها بر مبنای استانداردهای رتبه‌بندی موجود نظیر استاندارد CAMEL

## کتاب‌نامه

## الف. فارسی:

رحمانی، علی: *استقرار نظام راهبری شرکتی: تجربه بورس اوراق بهادار تهران*، مجموعه مقالات همایش راهبری شرکتی، شرکت بورس اوراق بهادار تهران.

روشندل، محمد: *راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی مؤثر در نظام بانکداری ایران*. گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶.

نادری کزج، محمود: *مروری بر حاکمیت سهامی و گریزی بر نقش آن در بانک‌ها*، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

## ب. انگلیسی:

Akhtar, Sh: *Corporate Governance for Banks, IBP Convention*, Lahore , 2008 .

Alsabah, Sh. S: *The Role of Central Banks in Defining Corporate Governance in Banks*, Governor's Speech Publication, Lebanon, 2005.

Arun, T. G. & Turner, J. D., *Corporate Governance of Banks in Developing Economies: Concepts and Issues*, Working Paper.

Ayoun, M. A: *The Role of Central Bank in Promoting Corporate Governance*, Egyptian Banking Institute, 2003

Bollard, A: *Corporate Governance in the Financial Sector*, Institute of Directors in New Zealand, 2003.

Köhler, M: *Corporate Governance and Current Regulation in the German Banking Sector: An Overview and Assessment*. Center for European Economic Research, Discussion Paper No. 10-002, 2010.

Koldertsova, A: *The Second Corporate Governance Wave in the Middle East and North Africa*, OECD Journal: Financial Market Trends, Vol 2010, Issue,2011.

Mülbert, P: *Corporate Governance of Banks after the Financial Crisis – Theory*, Evidence, Reforms, European Corporate Governance Institute,2010.

Murarka, S: *Good Corporate Governance – Its Importance for Banks and Challenges*, Working Paper,2008.

Reddy, Y. V: *Corporate Governance in Banks in India*, Indian Institute of Management, Mumbai,2005.

Soon, L. Ch. & Koh, Ph., *Corporate Governance of Banks in Malaysia*, Institute Bank-Bank Malaysia, Malaysia.

Financial Standards Index, Financial Standards Foundation. Available at: <http://www.estandardsforum.org/browse/ranking>

*Policy Brief on Corporate Governance for Islamic Banks and Financial Institutions in the Middle East and North Africa Region*, Hawkamah, The Institute for Corporate Governance,2011.

*Principles for Enhancing Corporate Governance* : Basel Committee on Banking Supervision,2010.